

## شغل شما، خدمت شما

نکته اصلی پیغام امروز می‌تواند در قالب یک اعلان یا یک دعا بیان شود. آن نکته در قالب یک اعلان چنین خواهد بود: «در شاگردسازی مسیحی، جزء مهم و اساسی این است که چقدر به شغلان متعهد می‌باشید.» به عبارت دیگر، بخش مهمی از اطاعت شما از عیسی در متعهد بودن به شغلان و چگونگی عملکردتان خلاصه می‌شود. حال، اگر بخواهیم نکته اصلی پیغام امروز را در قالب یک دعا بیان کنیم، چنین می‌گوییم: «پدر، جمیع ما را فیض عطا کن تا از حضور تو در کارمان آگاه باشیم و فیض عطا کن تا در تمامی روابط کاری‌مان مطیع احکام تو باشیم.» اکنون، با مراجعه به رساله اول قرن‌تین ۱۷:۷-۲۴ به توضیح این مهم می‌پردازیم.

### هر شخص هر کجا خوانده شده است باقی بماند

پیش از آنکه به آیات نامبرده مراجعه کنیم، مطلبی را خاطرنشان می‌سازم. یکی از مشکلات کلیسای قرن‌تس این بود که برایشان مشخص نبود ایمان به مسیح چگونه باید بر روابط عادی انسانها در زندگی روزمره تأثیر گذارد. برای مثال، در رساله اول قرن‌تین فصل ۷، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ایمان به مسیح باید به این معنا باشد که زن و شوهر از روابط زناشویی خودداری نمایند؟ بدین منظور، پولس در آیه ۳ چنان رسا و پرتین می‌گوید که خیر، چنین نیست. آیات ۱۲-۱۶ نیز نمونه دیگری است و این پرسش را مطرح می‌کند که اگر فقط یکی - یا زن یا شوهر - به مسیح ایمان آورد باید چکار کرد؟ آیا آن که ایماندار است باید عقب‌نشینی کند تا خود را پاک نگاه دارد؟ در این مورد نیز پاسخ پولس منفی است. وقتی خدا شما را به ایمان می‌خواند، در همان رابطه‌ای که هستید باقی بمانید. ایمان به مسیح در مقام خداوند و نجات‌دهنده عهد و پیمان ازدواج را که خدا از ابتدای خلقت بنیان نهاد از بین نخواهد برد.

با وجودی که پولس رسول در آیات ۱۲ و ۱۳ این مطلب را عنوان می‌کند، سپس بیان می‌دارد که اگر یکی از شریکان زندگی که غیر ایماندار است شریک ایماندارش را ترک نماید و دیگر نخواهد با یک ایماندار زندگی کند، آن‌گاه، شریک ایماندار مجبور نیست در آن رابطه باقی بماند. به بیان دیگر، ایمان آوردن به مسیح بدین معنا نیست که شخص روابطی را که خدا برایش مقرر نموده است ترک گوید، بلکه باید آن روابط را تقدیس نماید. زن یا شوهر ایماندار با صبر و شکیبایی، با دعا و فروتنی، و با رفتار و کردار نمونه آرزومند این است که شریک زندگی‌اش را به مسیح رهنمون سازد. اما، همان‌طور که عیسی در انجیل متی ۱۰:۳۴ به بعد پیش‌بینی نمود، بعید نیست که سرکشی و بی‌ایمانی همسر بی‌ایمان، به جای اینکه مسیحیت را مرهمی آرام‌بخش و شفادهنده سازد، آن را به شمشیری جداکننده تبدیل نماید. از این‌رو، اصلی که پولس رسول از آن پیروی می‌کند بدین شرح است: در روابطی که خدا برایتان مقرر نموده است باقی بمانید و در پی این نباشید که آن رابطه‌ها را ترک کنید یا آنها را بر هم زنید. اما پولس در این میان استثنایی هم قرار می‌دهد که اگر شریک بی‌ایمان، بر خلاف خواست شما و به شکلی که از اختیار شما خارج است، رابطه زناشویی‌تان را ترک نمود و آن را بر هم زد، آن‌گاه، مجاز خواهید بود که آن رابطه را پایان بخشید. ایمان‌داری که در این مورد بی‌تقصیر است دیگر به شریک زندگی‌اش که رابطه را بر هم زده است تعهدی نخواهد داشت.

حال، به متن مورد نظرمان در اول قرن‌تین ۱۷:۷ می‌رسیم. پولس اصولی را بیان می‌کند و خاطرنشان می‌سازد که وقتی مسیحی می‌شوید می‌بایست در پیوند ازدواجی که خدا مقرر نموده است باقی بمانید، حال، آن اصل را در خصوص دو رابطه دیگر عنوان می‌کند. به آیات ۱۷:۷-۲۴ از رساله اول قرن‌تین توجه نمایید:

مگر اینکه به هر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد بدین‌طور رفتار بکند و همچنین در همه کلیساها امر می‌کنم، اگر کسی در مختونی خوانده شود نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود مختون نشود. ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا. هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد در همان بماند. اگر در غلامی

خوانده شدی، تو را باکی نباشد، بلکه اگر هم می‌توانی آزاد شوی آن را اولتر استعمال کن (به عبارتی، حتی اگر هم می‌توانی آزاد شوی، اما در موقعیتی که هستی باقی بمان). زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد آزاد خداوند است و همچنین شخصی آزاد، که خوانده شد، غلام مسیح است. به قیمتی خریده شدیدی، غلام انسان نشوید. ای برادران، هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن، نزد خدا بماند.

پولس آن اصلی را که پیش از این در رابطه با ازدواج تعلیم داده بود سه مرتبه نیز در اینجا به وضوح خاطرنشان می‌سازد. به آیه ۱۷ توجه کنید: «به هر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد بدین‌طور رفتار بکند.» سپس آیه ۲۰: «هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد در همان بماند.» سپس آیه ۲۴: «ای برادران، هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن، نزد خدا بماند.» این سه جمله پولس، که بیانگر اصل مورد نظر او است، متن را به دو بخش تقسیم می‌کند. شاید بد نباشد این سه جمله را مثل سه تکه نان در یک ساندویچ دو طبقه تصور کنیم (مثل یک همبرگر دو طبقه). میان دو لایه بالا، آیه ۱۸ و ۱۹ قرار دارند که بیانگر اصولی در رابطه با ختنه و نامختونی هستند و میان دو لایه پایین آیات ۲۱-۲۳ قرار دارند که بیانگر اصولی در خصوص بردگی و آزادی می‌باشند. ولی، پیش از آنکه کاربرد هر یک از این اصول را درک نماییم، لازم است در مورد واژه‌ای مهم که در این اصل مشهود است توضیح دهیم.

### چه نوع خواندگی در نظر است؟

واژه‌ای که در هر یک از جملات این اصل و نه مرتبه در همین بند به کار رفته است واژه «خوانده» می‌باشد. وقتی در آیه ۱۷ پولس می‌گوید: «به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد بدین‌طور رفتار بکند» و در آیه ۲۴ می‌گوید: «هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن، نزد خدا بماند» به خواندگی الهی اشاره می‌کند، یعنی آن خواندگی که بر مبنای آن به مسیح ایمان آوردیم. ما اغلب با به کار بردن واژه «خواندگی» به حرفه‌مان اشاره می‌کنیم: خواندگی من این است که خانه‌دار باشم. خواندگی من این است که فروشنده باشم و نمونه‌هایی از این قبیل. اما پولس در هشت مرتبه از نه مرتبه‌ای که این واژه را در بند مورد نظر استفاده می‌کند مفهوم دیگری را در نظر دارد و فقط یکبار در آیه ۲۰ واژه «خواندگی» را در رابطه با پیشه و کسب و کار به کار می‌برد. این آیه، به معنای واقعی کلمه، چنین می‌گوید: «هر کس در هر خواندگی (نه حالتی) که خوانده شده باشد در همان بماند.» واژه «خواندگی» در آیه ۲۰ به پیشه یا مقام و جایگاه در زندگی اشاره دارد. در این پیشه یا مقام و جایگاه در زندگی، خواندگی دیگری از جانب خدا از راه می‌رسد و این همان خواندگی است که روح‌القدس آن را به مشارکت با مسیح ختم می‌کند. به بیان ساده، وقتی خدا در پیشه‌ای که شخص بدان مشغول است وی را می‌خواند، این قدرت خدا است که به واسطه انجیل روح و جان شخص را تبدیل می‌نماید.

رساله اول قرن‌تینان فصل ۱ همه این موارد را به روشنی توضیح می‌دهد. در فصل ۱ و آیه ۹، پولس می‌گوید: «امین است خدایی که شما را به شراکت پسر خود، عیسی مسیح، خداوند ما، خوانده است.» پس همه مسیحیان، آری فقط مسیحیان، به این معنا خوانده شده‌اند. این خواندگی که از جانب خدا صورت می‌گیرد، از یک سو، با آن «خواندگی» که وابسته به پیشه‌مان است و از سوی دیگر با آن فراخوان عمومی به توبه که همه انسانها را مخاطب قرار می‌دهد تفاوت دارد. وقتی عیسی در انجیل متی ۱۴:۲۲ می‌فرماید: «طلبیدگان بسیارند و برگزیدگان کم» به آن فراخوان انجیل اشاره دارد که کل جهان را در بر دارد و به واسطه آن بسیاری پیغام انجیل را می‌شنوند، ولی آن را نمی‌پذیرند و داوری را به جان می‌خرند.

اما این فراخوان عمومی مد نظر پولس نیست. آن خواندگی که ما را در مشارکتی سرشار از ایمان و محبت با عیسی قرار می‌دهد خواندگی قدرتمند و ثمربخشی است که ما را به پسر خدا رهنمون می‌سازد (یوحنا ۶:۴۴، ۶۵). رساله اول قرن‌تینان ۱:۲۳، ۲۴ به روشن‌ترین شکل بیانگر همین خواندگی ثمربخش است. پولس در آن آیات می‌گوید: «ما به مسیح مصلوب و عظمی‌کنیم که یهود را لغزش و امتهای را جهالت است.

لکن دعوت‌شدگان را، خواه یهود و خواه یونانی، مسیح قوت خدا و حکمت خدا است.» خوانده‌شدگان همه آن کسانی نیستند که موعظه انجیل را شنیده‌اند، بلکه آن کسانی خوانده‌شده هستند که موعظه انجیل را حکمت به شمار می‌آورند. می‌توانیم این آیات را به زبان ساده‌تر بیان کنیم تا تفاوت میان خواندگی عمومی و خواندگی ثمربخش را نشان دهیم. پولس می‌گوید: «ما همگان را فرا می‌خوانیم تا به مسیح مصلوب ایمان آورند، اما این فراخوان برای بسیاری از یهودیان سنگ لغزش و برای بسیاری از غیر یهودیان حماقت است. حال آنکه، خوانده‌شدگان (آنان که قدرتمندانه و موثرانه به مسیح رهنمون گشته‌اند) فراخوان انجیل را قدرت و حکمت خدا می‌دانند.»

بنابراین، وقتی در رساله اول قرن‌تین ۱۷:۷، ۲۰، ۲۴ پولس می‌گوید ما باید در همان موقعیتی که خوانده شده‌ایم بمانیم و نزد خدا زیست نماییم، منظورش این است: در همان موقعیتی که در لحظه ایمان آوردنتان قرار داشتید باقی بمانید. شما در لحظه ایمان آوردن در موقعیتی قرار داشتید و حال که خدا شما را به ایمان و مشارکت سرشار از محبت با پسرش خوانده است در همان موقعیت باقی بمانید.

### اصلی که به یهودیان و غیر یهودیان مربوط است

حال، باید ببینیم پولس در روزگار خودش این اصل را به چه شکلی عملی نمود و این اصل، امروز، برای ما چه مفهومی دارد. در این روند، دلیل الهیاتی این اصل نیز خود را نمایان می‌سازد. پولس در ابتدا این اصل را در ارتباط با کار و پیشه به کار نمی‌برد، بلکه آن را به ختنه و نامختونی ربط می‌دهد. او چنین عنوان می‌کند: اگر غیر یهودی هستید و حال به مسیح ایمان آورده‌اید سعی نکنید یهودی شوید و اگر یهودی هستید و حال به مسیح ایمان آورده‌اید سعی نکنید غیر یهودی شوید. ختنه و نامختونی در اصل نشانه این بود که شخص به قوم یهود تعلق داشت یا از اقوام دیگر بود. این اصل از نظر فرهنگی کاربردی بس فراگیر دارد: اگر سیاه‌پوست هستید سعی نکنید سفیدپوست شوید و اگر سفیدپوست هستید سعی نکنید سیاه‌پوست شوید. اگر مکزیک‌ای هستید سعی نکنید آمریکایی شوید و اگر آمریکایی هستید سعی نکنید مکزیک‌ای شوید.

سپس پولس به لحاظ الهیاتی نیز در خصوص این نصیحت دلیلی را ارائه می‌دهد. آیه ۱۹، به معنای واقعی کلمه، چنین می‌فرماید: «ختنه هیچ است و نامختونی هیچ است، بلکه نگاه داشتن احکام خدا اصل است.» این تقریباً توهین‌آمیزترین جمله‌ای بود که پولس می‌توانست به یک یهودی بگوید: «ختنه هیچ است.» ما نیز اگر کاربرد فرهنگی گسترده‌اش را درک نماییم، جملگی، رنجیده‌خاطر می‌گردیم. اما این یک واقعیت است. توجه کنید که منطق پولس در حفظ ویژگی‌های فرهنگی شما تا چه اندازه با منطق امروزی متفاوت است. ما می‌گوییم: «سفید زیبا است، سیاه زیبا است، قرمز زیبا است، زرد زیبا است. بنابراین، سعی نکنید فرهنگها را تغییر دهید.» اما پولس می‌گوید: «سفید هیچ است، سیاه هیچ است، قرمز هیچ است، زرد هیچ است، بلکه نگاه داشتن احکام خدا اصل است. بنابراین، سعی نکنید فرهنگها را تغییر دهید.» هر کجا که هستید، در همان جا بمانید و از خدا اطاعت کنید. پولس اندیشمندی تابع مد روز نیست، بنابراین، محتوای گفتارش از نظر ابدی اهمیت دارد و قابل تأمل می‌باشد. او از اساس و بنیان خدامحور است. همه‌چیز، آری همه‌چیز، در مقابل اولویت خدا سر تعظیم فرود می‌آورد.

کاملاً ضروری است که این حقیقت را درک نماییم تا مبادا مکتب شریعت‌گرای تازه‌ای بیافرینیم. مکتب شریعت‌گرای قدیم می‌گفت: «باید ختنه شوید تا نجات یابید (اعمال رسولان ۱:۱۵). باید سفیدپوست باشید تا مورد تأیید قرار گیرید.» مکتب شریعت‌گرای تازه خواهد گفت: «اگر می‌خواهید نجات یابید، نمی‌توانید مختون باشید. اگر می‌خواهید پذیرفته شوید، نمی‌توانید سفیدپوست باشید.» اگر این آیه را که می‌فرماید: «نامختون مختون نشود» (آیه ۱۸) مبنا قرار دهیم و بر اساسش سازش نمودن‌های فرهنگی را کاملاً ممنوع سازیم، بدون شک، از آنچه پولس تعلیم می‌دهد منحرف می‌گردیم و مقصودش را درک نخواهیم کرد. پولس کسانی را که جنبه‌هایی از سایر فرهنگها را پذیرا می‌شوند و از جنبه‌هایی از فرهنگ خودشان دست می‌کشند، از اصل و اساس، محکوم نمی‌کند. این واقعیت که او تیموتائوس را ختنه کرده

بود (اعمال رسولان ۳:۱۶) و همچنین این گفته‌اش که او همه‌کس را همه‌چیز می‌گردد تا به هر نوعی بعضی را برهاند (اول قرنتیان ۹:۲۲) گواه بر این ادعا است.

پولس می‌خواست نشان دهد که اطاعت از احکام خدا بسی مهم‌تر از هر ویژگی فرهنگی است و تغییر این ویژگیها صرفاً نباید برای مسیحیان اهمیت داشته باشد. به بیان دیگر، این را به یک موضوع پیچیده تبدیل نکنید که آیا مختونید یا نامختون، آیا سفیدپوستید یا سیاه‌پوست یا سرخ‌پوست یا اهل کشور سوئد، بلکه اطاعت از خدا برایتان مهم باشد و اطاعت از شریعت اخلاقی خدا را کل هدف زندگی‌تان قرار دهید. آن‌گاه، آری، فقط آن‌گاه است که ختنه (همان‌طور که پولس در رساله رومیان ۲:۲۵ اشاره می‌کند) و سایر ویژگیهای فرهنگی که در درجه دوم قرار دارند و مقوله‌ای فرعی هستند زیبایی خود را نمایان می‌سازند و گویای اطاعتی می‌گردند که از ایمان سرچشمه گرفته است. کاربرد اصل پولس در خصوص ویژگیهای فرهنگی، در یک جمله، این است: نه از ویژگیهای فرهنگی و وضعیت کنونی‌تان که به آن آن ویژگیها ربط دارند آروده و پریشان باشید و نه به آنها فخر بفروشید. آنچه برای خدا اهمیت دارد این است که خودتان و روح و جان و فکر و جسمتان را وقف اطاعت از احکام خدا نمایید، احکامی که جملگی در این حکم تحقق می‌یابند: «همسایه خود را چون خویشتن محبت نما» (رومیان ۱۳:۸-۱۰؛ غلاطیان ۵:۱۴).

### اصلی که به بردگان و غیر بردگان مربوط است

در آیات ۲۱-۲۳، پولس اصل مورد نظرش را به بردگان و غیر بردگان ربط می‌دهد. حال آنکه، ترجمه آیه ۲۱ تا حدی مشکل‌ساز شده است، چرا که اغلب ترجمه‌های جدید چنین نوشته‌اند: «آیا زمانی که فرا خوانده شدی غلام بودی؟ تو را باکی نباشد. اما، اگر می‌توانی آزادی خود را به دست آوری، فرصت را از دست مده.» شاید که این جمله نیز صحیح باشد، اما با توجه به اصلی که پولس در آیه ۲۰ بدان اشاره می‌کند به نظر می‌رسد پذیرش آیه ۲۱ به این شکل دشوار باشد. آیه ۲۰ می‌فرماید: «هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد در همان بماند.» و آیه ۲۴: «هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن، نزد خدا بماند.» حال، به نظر می‌رسد کاملاً نامربوط باشد که بگوییم: «اگر می‌توانی آزادی‌ات را به دست آوری، دست به کار شو.» نه فقط این بلکه ترجمه آیه به این شکل آن‌طور که باید همه واژگان موجود در متن یونانی («حتی» و «بلکه») را در خود نمی‌گنجاند، حال آنکه، اگر بدین شکل ترجمه شود، هر دو واژه نامبرده مشهود خواهد بود: «آیا در غلامی خوانده شدی؟ نگذار برده بودنت تو را پریشان سازد! بلکه حتی اگر هم می‌توانی آزاد شوی، اما از موقعیت کنونی‌ات بهره ببر.» به نظر من، آن تضاد واقعی باید به این شکل بیان شود: «اجازه نده که برده بودنت تو را پریشان سازد، بلکه از آن بهره ببر.» از آن برای اطاعت از مسیح بهره ببر تا «تعلیم نجات‌دهنده ما خدا را زینت دهد» (تیطس ۲:۱۰).

به گمانم، پس از همه اینها، باید چنین گفت که اگرچه آیه ۱۸ مختون شدن را به طور کامل منح می‌کند، آنچه در مورد بردگان گفته شده است به این معنا نیست که ایشان هرگز نمی‌توانند آزادی خود را به دست آورند. ولی اگر آن را در قالب یک حکم، یعنی حکم به آزادی، ترجمه کنید، از نکته اصلی آیه غافل می‌مانید. نکته این است: وقتی به مشارکت مسیح خوانده شدید، از اولویتهای تازه‌ای برخوردار گشتید، اولویتهایی که از اساس و بنیان مسیح را در مرکز قرار داده‌اند. آن اولویتهای چنان بنیادین هستند که اگر هم برده هستید برده بودنتان نباید موجب آزدگی و پریشانی شما گردد. «آیا زمانی که فرا خوانده شدی غلام بودی؟ تو را باکی نباشد.» آیا شغلستان بی‌نام و نشان است؟ اشکالی ندارد. آیا حرفه‌تان به اندازه سایر حرفه‌ها عالی به حساب نمی‌آید؟ اشکالی ندارد. پولس در مورد ویژگیهای فرهنگی نیز مانند ختنه شدن همین نکته را بیان می‌دارد: نامختون هستید؟ اشکالی ندارد. مختون هستید؟ اشکالی ندارد.

پولس در مورد بردگان هم می‌توانسته همان دلیل الهیاتی را ارائه دهد که در آیه ۱۹ بدان اشاره نموده است. او می‌توانسته چنین بگوید: «برده بودن چیزی نیست و آزاد بودن هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.» این یک واقعیت است، حال آنکه، پولس از نظر الهیاتی دلیل تازه‌ای ارائه می‌دهد تا درک ما را عمیق‌تر سازد. دلیلی که یک نفر با وجودی که برده است می‌تواند بگوید: «اشکالی ندارد» این می‌باشد:

«زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد آزادِ خداوند است» (آیه ۲۲). شخص آزاد نیز به دلیلی مشابه می‌تواند بگوید: «اشکالی ندارد» چرا که «شخصی آزاد که خوانده شد غلامِ مسیح است.» من از این لذت می‌برم که می‌بینم پولس الهیاتش را بدین شکل به کار می‌برد. او می‌گوید که در انجیل هم برای دلسردی از شغل‌های بی‌نام و نشان پادزهر وجود دارد و هم برای غرور در شغل‌هایی که عالی‌رتبه به حساب می‌آیند. او به برده‌ای که ناامید است می‌نگرد و می‌گوید: «در مسیح، تو آزاد هستی. تو به قیمتی خریده شدی. اجازه نده هیچ انسانی روح و جانت را اسیر سازد. در خداوند شادی کن و در او امید دار و آن‌گاه از جمیع اشراف‌زادگان آشفته و پریشان آزادتر خواهی بود.» سپس به اشراف‌زادگانِ آزاد می‌نگرد و می‌گوید: «مغرور مشوید، زیرا در مسیح برده هستید. یک نفر هست که بر شما اقتدار دارد و شما باید در مقابلش فروتن و مطیع باشید.»

پیامد این حکم چنین است: خواه کسی برده باشد خواه آزاد، نه برده بودنش باید موجب دلسردی گردد و نه آزاد بودنش موجب تکبر و غرور. چنین شخصی باید بتواند این جمله را بر زبان آورد: «اشکالی ندارد.» اگر او پزشک یا وکیل یا مدیر عامل است، نباید فخر بفروشد و اگر به پیشه‌ای مشغول است که از نظر جامعه در سطح پایین به حساب می‌آید، نباید به حال خود دل بسوزاند یا محزون گردد. پولس آیه ۲۴ را چنین خاتمه می‌دهد: «ای برادران، هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن، نزد خدا بماند.» این عبارتی بسیار مهم است: «نزد خدا!» آنچه در این زندگی و در زندگی ابدی از اهمیت برخوردار است نزدیک ماندن به خدا و لذت بردن از حضور او است. مهم نیست که در چشم انسانها شغل ما عالی یا پست به نظر رسد، بلکه مهم این است که حضور خدا ما را دلگرم و فروتن سازد.

به نظر می‌رسد اگر هر دو کاربرد اصلی پولس را کنار هم قرار دهیم به این تعلیم برسیم: اطاعت از احکام خدا (آیه ۱۹) و بهره‌مندی از حضور او (آیه ۲۴) بسی مهم‌تر از فرهنگ یا شغل شما است. از این‌رو، نباید چنین پندارید که مجبور به تغییر موقعیت خود هستید. نباید به خاطر ترس یا دلسردی از یک حرفه دست بکشید و یا به خاطر ثروت و غرور جذب حرفه دیگری شوید. باید بتوانید به موقعیت خود چنین بگویید: «اشکالی ندارد. همه زندگی من در تو خلاصه نمی‌شود. زندگی من در اطاعت از خدا و لذت بردن از حضور او خلاصه می‌گردد.»

### چهار نتیجه عملی

حال، با چند نتیجه عملی این مطلب را به پایان می‌رسانم. نخست اینکه، دغدغه اصلی خدا این نیست که شما شغل تازه‌ای به دست آورید، بلکه آنچه بیش از پیش برای خدا اهمیت دارد شیوه عملکردتان در حرفه‌ای است که هم‌اکنون به آن مشغولید. در میان اعضای کلیسای ما، مشاغل مختلفی وجود دارد، مشاغلی از جمله، پرستار، آموزگار، نجار، هنرمند، منشی، کتابدار، وکیل، مسوول پذیرش، حسابدار، مددکار اجتماعی، تعمیرکار در زمینه‌های مختلف، مهندس، مسوول دفتر، خدمتکار، لوله‌کش، فروشنده، نگهبان، پزشک، کارمند ارتش، مشاور، رییس بانک، مأمور پلیس، طراح تزیینات داخلی، موسیقیدان، مهندس معمار، نقاش، نظافتچی، مدیر مدرسه، خانه‌دار، مبشر، کشیش، کابینت‌ساز، و بسیاری مشاغل دیگر. آنچه همه ما محتاج شنیدنش هستیم این است: خدا نمی‌خواهد ما از یک حرفه به حرفه دیگر برویم، بلکه آیا در حرفه‌ای که اکنون بدان مشغولیم از حضور خدا که وعده‌اش را داده است بهره‌مند هستیم و در شیوه کارمان از احکام خدا اطاعت می‌کنیم؟

دوم اینکه، همان‌گونه که بررسی نمودیم، این حکم که وقتی ایمان می‌آوریم در هر کجا که خوانده شده‌ایم باقی بمانیم حکمی مطلق نیست. این حکم تغییر شغل را محکوم نمی‌کند، زیرا نه فقط پولس در اول قرن‌تین فصل ۷ (آیه ۱۵) در خصوص اصل مورد نظرش استثناهایی را در نظر گرفته است، بلکه کتاب مقدس نیز چنین تغییراتی را بیان و تأیید می‌نماید. در عهدعتیق، می‌بینیم که زمینه برای آزاد نمودن بردگان مهیا است و مگر نه اینکه ما با باجگیری که واعظ کلام خدا گردید و ماهیگیرانی که مبشر گشتند به خوبی آشنا هستیم. علاوه بر این، می‌دانیم مشاغلی وجود دارند که نمی‌توانید در آنها باقی بمانید و همچنان از احکام خدا اطاعت نمایید. مشاغلی نظیر فاحشه‌گری و گونه‌های بی‌شماری از تفریحات ناشایست و فاسد و سایر شغل‌هایی که شما را مجبور به بهره‌کشی از دیگران می‌کنند.

منظور پولس این نبود که یک دزد حرفه‌ای یا کسی که در بدعت موجود در شهر قرنتس به فاحشه‌گری مشغول بود باید در همان جایگاهی که خوانده شد باقی می‌ماند. پرسش کلیسای قرنتس این بود که وقتی به مسیح ایمان می‌آوریم باید از چه چیزی دست کشیم؟ و پاسخ پولس این بود: اگر در پیشه‌ای که بدان مشغولید می‌توانید همچنان نزد خدا بمانید، مجبور نیستید از آن دست کشید. دغدغه خدا این نیست که تغییر شغل را محکوم کند، بلکه این را به شما تعلیم دهد که در هر شغلی که بدان مشغولید می‌توانید در مسیح، در آن شغل، خرسند و خشنود باشید. در جامعه امروز غرب، این تعلیمی نامتداول است، چرا که عصب بلندپروازی‌های دنیوی را قطع می‌سازد. ما باید زمان صرف کنیم و به طور جدی به این مهم بیندیشیم که آیا آنچه در خصوص موفقیت و کامیابی به فرزندانمان منتقل می‌کنیم در کتاب مقدس ریشه دارد یا در فرهنگمان؟ کلام خدا به همه ما که به نوعی «جویندگان موفقیت» هستیم چنین می‌فرماید: همه آن بلندپروازی و آنچه شما را به جنب و جوش می‌آورد تا پلکان ترقی را طی کنید صرف غیرت روحانی نمایید تا لذت بردن از حضور خدا و اطاعت از اراده مکشوفش در کتاب مقدس را در خود بپروانید.

سوم اینکه، برای شما جوان‌ترها که هنوز وارد بازار کار نشده‌اید ماحصل مطلب امروز ما این است: وقتی از خودتان می‌پرسید «اراده خدا برای زندگی من چیست؟» باید رسا و پرتنین پاسخ دهید: «اراده او این است که رابطه نزدیک را با خدا حفظ کنم و خود را وقف اطاعت از احکام او نمایم.» اراده مکشوف خدا برای شما (تنها اراده این است که شما مسولید که اطاعت کنید) حرفه شما نیست، بلکه تقدیس شدنتان است (اول تسالونیکیان ۳:۴). با همه وجودتان خود را وقف این مهم گردانید و آن‌گاه هر حرفه‌ای که دوست دارید در پیش گیرید. شک ندارم که اگر همه تلاش و تکاپوی جوانان ما این باشد که به خدا نزدیک بمانند و از احکام کتاب مقدس اطاعت کنند، خدا ایشان را دقیقاً در جایی قرار می‌دهد که خود اراده نموده تا برایش موثر واقع شوند.

چهارم و سرانجام اینکه، این آیات حاکی از آن هستند که شغل کنونی شما، تا زمانی که به آن مشغولید، همان چیزی است که خدا برایتان مقرر داشته است. آیه ۱۷ می‌فرماید: «به هر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده.» خدا حاکم مطلق است و این از سر تصادف نیست که در جایگاه کنونی‌تان قرار دارید. «دل انسان در طریقتش تفکر می‌کند، اما یهوه قدمه‌ایش را استوار می‌سازد» (امثال سلیمان ۹:۱۶). «فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت یهوه است» (امثال سلیمان ۲۱:۱۹). «قرعه در دامن انداخته می‌شود، لیکن تمامی حکم آن از یهوه است» (امثال سلیمان ۳۳:۱۶).

شما با قرار الهی در جایگاه کنونی‌تان قرار دارید، حتی اگر فریبتان داده‌اند و حقتان را پایمال کرده‌اند. شغل شما خدمتی است که برایتان مقرر شده است، همان‌طور که خدمت من برایم مشخص گشته است. اینکه شما به شغل‌تان متعهد بمانید به اندازه آنچه که هر یک‌شنبه در کلیسا به‌جا می‌آورید در زندگی‌تان از اهمیت برخوردار است. برای بسیاری از ما شاید این بدان معنا باشد که فردا صبح برگ تازه‌ای در زندگی‌مان ورق بخورد. باشد که پیش از شروع کارمان همگی چنین دعا کنیم: «خدایا، امروز پیش روی من بخرام و مرا از حضور آگاه نگهدار. دلم را گرم ساز آن زمان که دلسردم و فروتنم ساز آن زمان که فخر می‌فروشم. خدایا، مرا فیض عطا کن تا مطیع احکامات باشم، احکامی که می‌دانم جملگی در این حکم خلاصه گشته است که همسایه‌ام را همچون خودم محبتم نمایم، آمین.»

جان پای‌پر